



**Revolution Studies**  
*Volume 02, No.04, Autumn & Winter 2024- 5 (Serial 4)*

**Procedure of the Guardian Council in Reviewing the Qualifications of  
Presidential Candidates in Iran**

Majid Bozorgmehri <sup>1</sup>  
Navid Rasouli <sup>2</sup>

Doi :10.22034/fademo.2024.486278.1061

**Abstract**

The qualifications of presidential candidates are exercised by the Guardian Council in accordance with Article 110 paragraph 9 of the Constitution, and the provision of approving oversight powers for this council has greatly expanded its powers. What is the evaluation of factors influencing the process of reviewing the qualifications of presidential candidates by the Guardian Council? The items that should be studied are: 1. The subject of approving supervision of the Guardian Council, and its scope in assessing the eligibility of candidates, 2. The set and space of the executive branch in the country, from which the supervisory authority, i.e. the Guardian Council, should have full independence in various dimensions. The research method in this study, from a legal and political point of view, has a descriptive-analytical nature and is based on documented documents and reports. It seems that the Guardian Council has taken a very restrictive approach in its assessment of the compliance of the candidates' status with the qualitative conditions set forth in Article 115 of the Constitution. In this study first, the position of the Guardian Council on the issue of monitoring the presidential election is discussed and then by evaluating the category of approving supervision, the degree of real independence of the supervisory authority from the executive body and finally the procedure and performance of the council are analyzed.

**Keywords:** Iran, presidential election, guardian council, monitoring, competency

---

1. Professor of Political Science, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran (Corresponding author) bozorgmehri@soc.ikiu.ac.ir

2. MA in Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran  
naraculture@gmail.com

## رویه شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶-۱۳۶۰

مجید بزرگمهری<sup>۱</sup>

Doi :10.22034/fademo.2024.486278.1061

نوید رسولی<sup>۲</sup>

**چکیده:** شورای نگهبان بر پایه بند ۹ اصل ۱۱۱ قانون اساسی بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری را انجام می‌دهد و پیش‌بینی اختیار نظارت استصوابی برای این شورا، دایره اختیارات آن را بسیار فراخ ساخته است. شورای نگهبان باید استقلال تام در ابعاد مختلف از مجموعه دایره قوه اجرائیه شامل رهبری و ریاست جمهوری داشته باشد، نهایتاً فضای سیاسی و قطب‌بندی جناح‌های سیاسی حاکم بر کشور در هر دوره انتخاباتی عوامل اصلی تأثیرگذار در رویکرد کلان و خرد شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهاست. سؤال محوری پژوهش حاضر از چگونگی روند تصمیمات شورای نگهبان در ارزیابی صلاحیت یا عدم صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری است و روش تحقیق اکتشافی و از نوع تحقیقات کیفی است که با روش تحلیل اسنادی باهدف کمک به مطالعات حقوق اساسی در ایران و ارزیابی بی‌طرفانه‌ای از رویکرد شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد شورای نگهبان در ارزیابی خود در خصوص انطباق وضعیت نامزدها با شرایط کیفی مندرج در اصل ۵۱۱ قانون اساسی رویکردی بسیار تحدیدی و در مواردی جناحی داشته است. در این مطالعه ابتدا جایگاه شورای نگهبان در موضوع نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بحث می‌شود و سپس با ارزیابی روند تصمیمات این شورا در تأیید یا رد صلاحیت نامزدها، مقوله نظارت استصوابی، میزان استقلال واقعی مرجع نظارت از بدنه قوه اجرائی کشور و سازوکار رسیدگی به اعتراضات بررسی می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، شورای نگهبان، انتخابات ریاست جمهوری، صلاحیت نامزدها، نظارت بر انتخابات.

۱. استاد علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین. ایران. (نویسنده مسئول)  
bozorgmehri@soc.ikiu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. naraculture@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳ | صفحات ۲۸۳-۳۰۶

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وظیفه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی بر عهده شورای نگهبان است. این شورا در تفسیر اصل مزبور در سال ۱۳۷۳، نظارت این شورا را به صورت استصوابی و شامل همه مراحل، از جمله نظارت بر روند انتخابات و بررسی صلاحیت نامزدها و ... معرفی کرده است.

طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد. در اصل ۱۱۴ قانون اساسی انتخاب رئیس‌جمهور به مدت چهار سال و با رأی مستقیم مردم در نظر گرفته شده است و همچنین انتخاب مجدد او به صورت متوالی برای یک دوره بلامانع است. در اصل ۱۱۵ قانون اساسی شرایط رئیس‌جمهور تعیین شده است و رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد این شرایط باشند انتخاب شود: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. تشخیص وجود شرایط ذکر شده طبق قانون اساسی جز وظایف شورای نگهبان است.

در تاریخ جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۴۰۰، سیزده دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده است و به استثنای دور اول، شورای نگهبان در تمام ادوار به موضوع بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری پرداخته است. از دوره دوم، شورای نگهبان با تکیه بر تفسیر خود از اصل ۹۹ قانون اساسی مبنی بر ضرورت نظارت استصوابی و با توجه به شرایط سیاسی کشور در ادوار مختلف و جناح‌بندی‌های سیاسی، اقدام به تأیید یا عدم تأیید صلاحیت بسیاری از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری داشته است. این رویکرد شورای نگهبان مجادلات حقوقی و سیاسی متنوعی را در فضای سیاسی کشور دامن زده است. عده‌ای اصرار دارند که شورای نگهبان مستمراً به وظیفه قانونی و شرعی خود عمل کرده و در رد یا تأیید صلاحیت پاره‌ای از نامزدها، تحت شعاع بازی‌های سیاسی و فشار جناح‌ها قرار نگرفته است، در مقابل عده‌ای معتقدند که به علت ترکیب شورای نگهبان (به واسطه نحوه انتصاب و نزدیکی اعضا به برخی از جناح‌ها و هسته اصلی قدرت) و عدم امکان حضور نیروهای فقهی و حقوقی مستقل، این شورا تحت شعاع منویات جناح‌های حاکم قدرتمند و بخش‌های کلیدی قوه مجریه، به حذف نامزدهای خاص پرداخته است. رد صلاحیت رسمی یا تلویحی سه نامزد ریاست جمهوری (هاشمی رفسنجانی،

سید محمد خاتمی و احمدی‌نژاد) که پیشاپیش در دو دوره در سمت ریاست جمهوری بوده‌اند برای دوره‌های جدید به این ادعا شدیداً دامن زده است.

### ۱. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع پژوهش تحقیقات عمدتاً اجمالی در گذشته صورت گرفته است. اغلب مقالات و نوشته‌ها به موضوع تأیید یا نقد نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات پرداخته‌اند هر چند که مقوله انتخابات ریاست جمهوری نیز مورد توجه بوده است.

کتاب امیرحسین علینقی اولین اثری است که به نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان پرداخته است. موضوع محوری مباحث علینقی، نظارت استصوابی شورای نگهبان است که ادله مرتبط با این رویه شورای نگهبان را مورد نقد قرار می‌دهد. نقد محوری علینقی، موضوع نظارت استصوابی شورای نگهبان در تشخیص صلاحیت نامزدهای مجلس شورای اسلامی است. سید محمد خاتمی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی ایرادات شورای نگهبان به لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» (۱۳۸۲) نگاهی تحلیلی و موشکافانه به موضوع دارد و با استدلال‌های حقوقی مدعی رویکرد جانب‌دارانه شورای نگهبان در تأیید یا رد صلاحیت نامزدهاست. بحث محوری خاتمی تحلیل و ارزیابی ایرادات ۳۵ گانه شورای نگهبان در خصوص لایحه پیشنهادی دولت وقت، موضوع انتخابات مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ است. نقد موشکافانه و تحلیل‌های حقوقی که ماهیت جانب‌دارانه ندارند، از نقاط قوت این تحلیل‌ها تلقی می‌شود. جواد اطاعت در مقاله‌ای با عنوان «انتخابات و نظارت شورای نگهبان» (۱۳۸۲) با توجه به تجارب خود در دوران نمایندگی مجلس، با تمرکز بر مبحث نظارت استصوابی، تحلیلی حقوقی و سیاسی نقادانه‌ای را از موضوع ارائه می‌دهد. موضوع کیفیت نظارت شورای نگهبان، بحث اصلی اطاعت است. سید محمد هاشمی در مقاله «نظارت شورای نگهبان انضباطی است، نه استصوابی و نه استطلاعی» (۱۳۸۲) با ادله حقوقی سعی داشته نوع خاصی از نظارت را با عنوان «انضباطی» برای نظارت شورای نگهبان مطرح سازد. وی نظرات مستدلی را برای نظریه خود مطرح ساخته است. جواد تقی زاده (۱۳۸۷) در همین دوره مطالعات خوبی در موضوع انتخابات و سازوکار نظارت شورای نگهبان و مبحث شرایط نامزدهای انتخاباتی دارد. رویکرد تقی زاده در مطالعات خود عمدتاً تطبیقی است و طی دهه هشتاد چند مقاله در این موضوع نوشته است. نظر غالب ایشان نیز عدم استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان است. در دو مقاله که سید احمد مرتضایی در ارتباط با موضوع نظارت شورای نگهبان ارائه کرده است؛

محور اصلی مقاله اول بحث اثبات و تأیید نظارت استصوابی شورای نگهبان است و موضوع مقاله دوم اثبات احراز اجتهاد به عنوان یکی از شروط صلاحیت در مجلس خبرگان رهبری است (مرتضایی، ۱۳۸۷؛ ۱۳۹۰). موسوی بجنوردی و دانش پور (۱۳۹۰) ابعاد جایگاه حقوقی و فقهی شورای نگهبان را با نگاهی اثباتی مورد بحث قرار داده‌اند.

همان‌طور که ملاحظه شد، آثار ارزشمندی در خصوص موضوع نظارت شورای نگهبان بر انتخابات تدوین و ارائه شده‌اند؛ ولی اغلب این آثار رویکردی جانب‌دارانه در تأیید یا نقد سیاست‌های شورای نگهبان دارند و تاکنون نیز هیچ اثری وارد تحلیل مصدافی سیاست‌های نظارتی شورای نگهبان در بحث انتخابات نشده است. تحلیل همه‌جانبه حقوقی و سیاسی، رعایت بی‌طرفی و تحلیل مصدافی از جمله ویژگی‌های است که این اثر را از آثار پیشین متمایز می‌سازد.

## ۲. تعریف نظارت بر انتخابات

برخی نظارت را مجموعه عملیاتی دانسته‌اند که بر اساس آن میزان انطباق عملکرد با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از تطابق نتایج با اهداف معین شده اطمینان حاصل شود (طحان نظیف و کدخدامرادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۲۹؛ اخوان کاظمی، ۱۳۹۱، ص. ۲۹).

انتخابات از نظر اصطلاحی مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان و تعیین ناظرانی برای مهار قدرت تدبیر شده است (طحان نظیف و کدخدامرادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۲۹)؛ براین اساس انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین زمامداران و نمایندگان است و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد؛ لذا مقصود از نظارت بر انتخابات مجموعه عملیاتی است که نهادهای ناظر بر مبنای قوانین و به‌منظور اطمینان از اجرای دقیق و صحیح فرایند انتخابات انجام می‌دهند (خسروی، ۱۳۷۸، ص. ۳۴۷).

## ۳. ویژگی‌های اساسی نهادهای نظارتی

از نظر بای و همکارانش، نظارت بر انتخابات باید واجد ویژگی‌هایی باشد که عبارتند از: ۱. استقلال در نظر و عمل؛ ۲. بی‌طرفی در قبال نامزدها و جناح‌های سیاسی؛ ۳. منع جمع‌عضویت شورا یا مرجع ناظر با سایر مشاغل حکومتی و دولتی؛ ۴. منع وابستگی اعضای مرجع نظارت به احزاب و گروه‌های سیاسی؛ ۵. حرفه‌ای بودن؛ ۶. پاسخگویی (۱۳۹۴، ص. ۱۷۲) در صورت

فقدان آن‌ها، از مردم‌سالاری و سپردن حق تعیین سرنوشت سیاسی ملت به خودشان چیزی جز نوشته‌ای بر روی کاغذ و بی‌محتوا باقی نخواهد ماند. در این مجموعه رعایت دو اصل «استقلال تام و کامل مرجع نظارت از اجزای قوهٔ اجرائیه کشوری» و «بی‌طرفی این مرجع در قبال جناح‌ها، احزاب و افراد» نقش کلیدی در سلامت انتخابات و حفظ حقوق رأی‌دهندگان و نامزدها دارد.

#### ۴. جایگاه شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات و بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری

نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و تأیید صلاحیت داوطلبان آن در سه اصل قانون اساسی ذکر شده است:

الف) اصل ۹۹: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.»  
ب) بند ۹ اصل ۱۱۰: «صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دورهٔ اول به تأیید رهبری برسد.»

ج) اصل ۱۱۸: «مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهدهٔ شورای نگهبان است، ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهدهٔ انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند.»

بر اساس قانون اساسی، شورای نگهبان صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری را پیش از انتخابات مورد رسیدگی قرار می‌دهد. بر اساس مادهٔ ۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ «نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت عام و تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است؛ در همین راستا مادهٔ ۵۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶/۴/۵ مقرر می‌دارد: «شورای نگهبان ظرف پنج روز از تاریخ وصول مدارک داوطلبان به صلاحیت آنان رسیدگی و نظر خود را صورت‌جلسه نموده و یک نسخه از آن را به وزارت کشور ارسال می‌دارد.»

تبصره- در موارد ضرورت بنا به تشخیص شورای نگهبان مدت مذکور در این ماده حداکثر تا پنج روز دیگر تمدید و به وزارت کشور اعلام می‌شود (پایگاه خبری شورای نگهبان، ۱۳۹۹). باید توجه داشت که برخی از شرایط مذکور در متن قانون اساسی و قانون انتخابات ریاست

جمهوری<sup>۱</sup> ماهیت کیفی دارند و تعیین میزان و شاخص‌های آن بستگی به نظر مرجع نظارت دارد. صفاتی مانند مذهبی سیاسی، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ماهیتی کیفی دارند و نوع نگاه و برداشت مرجع نظارت، یعنی شورای نگهبان با توجه به پیش‌بینی نظارت استصوابی در قبال شرایط یکایک نامزدها در تأیید یا رد صلاحیت آن‌ها مؤثر است. منظور از رجل سیاسی چه فردی است، آیا فردی که دارای تجربه مبارزه سیاسی یا دارای آثار ادبیات سیاسی و واجد مشرب سیاسی است در این دایره می‌گنجد؟ آیا فردی که دارای سمت‌ها و مشاغل سیاسی در سطوح میانی و بالای بخش‌های دولتی مانند شهرداری‌ها، استانداری‌ها، وزارتخانه‌ها یا رسانه‌ها بوده است بدون اینکه دارای دانش سیاسی دانشگاهی باشد، رجل سیاسی تلقی می‌شود؟ آیا ترکیب شورای نگهبان شامل فقها و حقوق‌دانان، کفایت بررسی لازم و کارآمد را از وضعیت نامزدها برای صفاتی مانند سیاسی، مدیر و مدبر می‌کند؟ آیا ضروری نیست که متخصصانی از دانش‌های سیاست، مدیریت و اقتصاد در ترکیب شورای نگهبان برای انجام این مهم حضور داشته باشند؟ با عنایت به ضرورت حرفه‌ای عمل کردن شورای نگهبان، برای تشخیص تحقق صفات کیفی مذکور، ضروری است از اصحاب دانش سیاست، مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روانشناسی نیز در جمع شورای نگهبان برای تصمیم‌گیری در زمینه تأیید یا رد صلاحیت نامزدها با حق نظر و رأی حضور داشته باشند. وضعیت جسمانی و روحی خود اعضای شورای نگهبان هم از نظر سن و آشنایی کافی با مسائل سیاسی و اجتماعی واجد اهمیت است. کهولت سنی اگرچه ممکن است بستر پختگی تصمیمات فرد را مهیا سازد؛ ولی در مواردی عوارض درک ناصواب از پدیده و مصادیق را در فرد ایجاد کند.

### ۵. روند تأیید یا رد صلاحیت نامزدها در ادوار انتخاباتی دوازده گانه

دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۶۰: به دنبال عزل سید ابوالحسن بنی‌صدر با حکم امام خمینی، انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری در دوم مرداد ۱۳۶۰ برگزار شد. در این انتخابات، برای اولین بار شورای نگهبان در جریان نامزدی نامزدهای ریاست جمهوری وارد

۱. بر اساس قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات

بعدی

ماده ۳۵- انتخاب شوندگان هنگام ثبت‌نام باید دارای شرایط زیر باشند: ۱. از رجال مذهبی، سیاسی؛ ۲. ایرانی‌الاصل؛ ۳. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ ۴. مدیر و مدبر؛ ۵. دارای حسن سابقه و امانت و تقوی؛ ۶. مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

عمل شد، از مجموع ۷۱ داوطلب، چهار داوطلب امکان رقابت بر سر کرسی ریاست جمهوری را یافتند و ۶۷ نفر رد صلاحیت شدند. سید اکبر پرورش نامزد مستقل، عباس شیبانی از سوی نهضت آزادی، حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان از سوی هیأت مؤتلفه و محمدعلی رجایی از سوی حزب جمهوری اسلامی نامزدهایی بودند که وارد عرصه رقابت شدند. محمدعلی رجایی در این انتخابات توانست با کسب ۱۲ میلیون و ۷۷۰ هزار و ۵۰ رأی ۹۰ درصد کل آرا از مجموع ۱۴ میلیون و ۵۷۳ هزار و ۸۰۳ رأی مأخوذه، رئیس جمهوری ایران شود.

دوره سوم، سال ۱۳۶۰: به دنبال شهادت محمدعلی رجایی، برنامه برگزاری مجدد انتخابات ریاست جمهوری در کشور پیش‌بینی شد. در این دوره ۴۶ نفر نامزد رقابت در انتخابات ریاست جمهوری شدند و شورای نگهبان، صلاحیت ۴۲ نفر از نامزدها، یعنی حدود ۹۱ درصد آن‌ها را رد کرد و تنها چهار نفر برای رقابت باقی ماندند. از جمله رد صلاحیت شده‌های مهم این دوره می‌توان به ابراهیم یزدی اشاره کرد؛ بنابراین تنها چهار نفر یعنی آقایان سید علی خامنه‌ای، سید اکبر پرورش، رضا زواره‌ای و حسن غفوری فرد در عرصه رقابت حاضر شدند. سید علی خامنه‌ای با کسب ۱۵ میلیون و ۹۰۵ هزار و ۹۸۷ رأی از مجموع ۱۶ میلیون و ۸۴۷ هزار و ۷۱۷ رأی توانست با اختصاص ۹۵ درصد آرا پیروز رقابت‌ها شود.

دوره چهارم، سال ۱۳۶۴: در ۲۵ مردادماه ۱۳۶۴، انتخابات دور چهارم، با سه رقیب برگزار شد. در این دوره نیز مانند دوره‌های قبل، شورای نگهبان تعداد زیادی از نامزدها را رد صلاحیت کرد، به طوری که از مجموع ۵۰ کاندیدای شرکت در رقابت‌ها، تنها سه نفر امکان حضور در انتخابات را یافتند، مانند دور قبل، سید علی خامنه‌ای (نامزد حزب جمهوری اسلامی) با کسب ۸۵ درصد از مجموع آرا، برابر ۱۲ میلیون و ۲۰۵ هزار و ۱۲ رأی، رئیس‌جمهور ایران شد. پس از او، محمود کاشانی کاندیدای مستقل با کسب یک میلیون و ۴۰۲ هزار و ۹۵۳ رأی برابر ۸۵/۹ درصد کل آرا، در رتبه دوم و در آخر حبیب‌الله عسگراولادی نامزد مؤتلفه با کسب ۲۷۸ هزار و ۱۱۴ رأی یعنی حدود ۹۵/۱ درصد مجموع آرا سومین نفر شد (پایگاه مشرق، ۱۳۹۵).

دوره پنجم، سال ۱۳۶۸: پس از رحلت امام پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نزدیک به شش هفته زودتر از موعد در ششم مرداد ۱۳۶۸ برگزار شد. جمعاً ۷۹ نفر در این انتخابات ثبت‌نام کردند که از میان آن‌ها، شورای نگهبان صلاحیت ۷۷ نفر را رد کرد و اکبر هاشمی رفسنجانی و عباس شیبانی برای رقابت باقی ماندند. این اولین بار بود که هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کرد، در آن دوره وی توانست با کسب

۱۵ میلیون و ۵۵۰ هزار و ۵۲۸ رأی ۹۴ درصد آرا را به خود اختصاص دهد و رئیس‌جمهور ایران شود. شیبانی نیز که یک‌بار پیش‌تر در انتخابات دور دوم با کسب بیش از چهار درصد آرا شکست خورده بود، این بار با کسب ۸۶/۳ درصد، از هاشمی رفسنجانی شکست خورد (پایگاه مشرق، ۱۳۹۵).

دور ششم، سال ۱۳۷۲: در دور ششم انتخابات، ۱۲۸ نفر برای رقابت‌های انتخاباتی ۲۱ خرداد ۱۳۷۲ در وزارت کشور ثبت‌نام کردند که از این میان، ۱۲۴ نفر رد صلاحیت شدند. چهار نفر باقیمانده یکی هاشمی رفسنجانی نامزد روحانیت مبارز بود، دیگری احمد توکلی، وزیر مستعفی دولت میرحسین موسوی، عبدالله جاسبی و رجبعلی طاهری استاندار اسبق تهران. رجبعلی طاهری جمعاً ۱۱۴ هزار و ۷۷۶ رأی کسب کرد؛ اما جاسبی فقط ۸۹ هزار و ۲۸۰ رأی را به خود اختصاص داد در پایان هاشمی رفسنجانی با کسب ۱۰ میلیون و ۵۶۶ هزار و ۴۹۹ رأی، پیروز انتخابات شد (پایگاه مشرق، ۱۳۹۵).

دوره هفتم، سال ۱۳۷۶: در دور هفتم نیز از مجموع ۲۳۸ نفر که برای رقابت ثبت‌نام کرده بودند، سید محمد خاتمی، محمد محمدی ری‌شهری، رضا زواره‌ای و علی‌اکبر ناطق نوری از سوی شورای نگهبان مجاز به رقابت شدند. نتایج شمارش آرای دوم خرداد حکایت از آن داشت که سید محمد خاتمی با کسب نزدیک به ۶۹ درصد کل آرا، یعنی ۲۰ میلیون و ۷۸ هزار و ۱۷۸ رأی پیروز قاطع انتخابات است؛ پس از او علی‌اکبر ناطق نوری قرار داشت که توانست هفت میلیون و ۲۴۲ هزار و ۸۵۹ رأی کسب کند. رضا زواره‌ای نیز که بار دیگر به گود انتخابات ریاست جمهوری بازگشته بود توانست در این انتخابات جمعاً ۷۷۱ هزار و ۴۶۰ رأی کسب کند و محمد ری‌شهری نیز روی هم ۷۴۴ هزار و ۲۰۵ رأی به دست آورد (پایگاه مشرق، ۱۳۹۵).

تلاطم‌های انتخاباتی در این دوره، خود را در سطح وسیعی آشکار ساخت. برخی از اشخاص سعی داشتند این جو را ایجاد کنند که مقام رهبری از یکی از نامزدها حمایت خاص دارد و صداوسیما هم همین رویکرد را دنبال می‌کند.<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup> تیتراژ بزرگ صفحه اول روزنامه /برابر در

۱. هاشمی رفسنجانی در خاطرات سال ۱۳۷۶ خود به بازخورد نظرات سیاست‌مداران وقت ایران در مورد حمایت ضمنی مقام رهبری از ناطق نوری اشاره می‌کند: «دکتر حسن روحانی آمد. اظهار نگرانی کرد و از اینکه پس از موضع‌گیری یک‌طرفه روشن رهبری اگر رأی مردم با نظر ایشان هماهنگ نباشد... گفت فشار زیادی روی اوست که به نفع آقای ناطق [نوری] اظهاری بنماید» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۵۶).

۲. در روزنامه سلام، گزارش‌های مکرری از اقدامات تبلیغاتی به نفع ناطق نوری از سوی برخی مسئولان در شهرستان‌ها منتشر شد. باوجود اینکه روزنامه‌هایی که از بودجه دولتی تأمین می‌شدند حق تبلیغ و حمایت از کاندیدای خاصی را نداشتند؛ اما روزنامه کیهان و قدس از علی‌اکبر ناطق نوری حمایت می‌کردند. در

همین ایام با عبارتی از مهدوی کنی «حدس می‌زنیم نظر مقام معظم رهبری به آقای ناطق نوری است» به چاپ رسید (روزنامه ابرار، ۱۳۷۶، ص. ۱).

دوره هشتم، سال ۱۳۸۰: دور هشتم ریاست جمهوری ایران در حالی برگزار شد که مجموعاً ۸۱۴ نفر برای رقابت در آن ثبت‌نام کردند و شورای نگهبان این بار صلاحیت ۱۰ نفر از آن‌ها را برای شرکت در انتخابات تأیید کرد. سید محمد خاتمی، احمد توکلی، علی شمخانی، عبدالله جاسبی، حسن غفوری فرد، منصور رضوی، شهاب‌الدین صدر، علی فلاحیان، مصطفی هاشمی طباطبائی و محمود کاشانی کاندیداهای این دوره از انتخابات بودند که در ۱۸ خرداد سال ۱۳۸۰ برگزار شد. رقابت اصلی انتخابات در واقع بین سید محمد خاتمی و احمد توکلی بود. سید محمد خاتمی با کسب ۲۱ میلیون و ۶۵۹ هزار و ۵۳ رأی از مجموع ۲۸ میلیون و ۸۱ هزار و ۹۳۰ رأی مأخوذه برای دومین بار به ریاست جمهوری انتخاب شد (پایگاه مشرق، ۱۳۹۵). این اولین باری بود که تعداد نامزدهای تأیید صلاحیت شده به ۱۰ نفر می‌رسید. این ادعا وجود داشت که تعداد نامزدها افزوده شده؛ چون در گذشته تأیید این تعداد نامزد، مسبوق به سابقه نبود.

دوره نهم، سال ۱۳۸۴: در انتخابات ۱۳۸۴، اولین باری بود که انتخابات ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران به دور دوم کشیده شد؛ تعداد ثبت‌نام کنندگان برای اولین بار از هزار نفر گذشت و برای نخستین بار و به شیوه‌ای نادر در جریان تأیید صلاحیت‌ها حکم حکومتی توسط رهبری صادر شد. در نهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری، مجموعاً ۱۰۱۴ نفر برای انتخابات ریاست جمهوری ایران ثبت‌نام کرده بودند. شورای نگهبان تنها صلاحیت شش نفر از آنان را تأیید کرد؛ ولی پس از دستور آیت‌الله خامنه‌ای صلاحیت دو نفر دیگر از اصلاح‌طلبان، یعنی مصطفی معین و محسن مهر علیزاده هم تأیید شد. با تأیید این دو نفر، ترکیب رقبای نهایی انتخابات به هم خورد و اکبر هاشمی رفسنجانی، محمود احمدی‌نژاد، مهدی کروبی، محمدباقر قالیباف، مصطفی معین، علی لاریجانی و محسن مهر علیزاده رسماً وارد جریان انتخابات شدند.

چهارچوب به کارگیری این روش، مجلاتی مانند شلمچه و یالآارات و روزنامه‌های دیگری چون رسالت و اواخر حتی صدا و سیما به تبلیغات علنی علیه محمد خاتمی پرداختند (تاریخ ایرانی، ۱۳۷۶). در یادداشت روزنامه رسالت به تاریخ ۳۱ اردیبهشت صراحتاً علیه محمد خاتمی مطلب نوشته شده بود و از مردم می‌خواست برای دفع خطر به ناطق نوری رأی دهند (تاریخ ایرانی، ۱۳۷۶). کارناوال عصر عاشورا از دیگر برنامه‌های مشکوک نزدیک به انتخابات بود.

دوره دهم، سال ۱۳۸۸: در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مورخ خرداد ۱۳۸۸ مجموعاً ۴۷۵ نفر ثبت نام کردند که از آن میان آن‌ها فقط چهار نفر تأیید صلاحیت شدند. چهره‌های شاخص رد صلاحیت شده عبارت بودند از: اکبر اعلمی، نماینده دوره‌های ششم و هفتم تبریز در مجلس شورای اسلامی، رفعت بیات، نماینده زنجان در دور هفتم مجلس شورای اسلامی و قاسم شعله سعدی، نماینده مجلس سوم و مجلس چهارم از شهر شیراز. کاندیداهای باقیمانده میرحسین موسوی، محمود احمدی‌نژاد، مهدی کروبی و محسن رضایی بودند. انتخابات در همان دور اول با اعلام مشارکت ۸۵ درصدی از سوی وزارت کشور و پیروزی احمدی‌نژاد با رأی ۵/۲۴ میلیونی، ۴۶/۶۲ درصد از کل آرا خیلی زود به پایان رسید. این دوره از انتخابات با مشارکت بسیار بالایی روبرو بود. هواداران میرحسین موسوی که رنگ سبز را برای کمپین انتخاباتی خود انتخاب کرده بودند حضور پرشوری در تجمعات انتخاباتی داشتند و به صورت پرشوری از او حمایت می‌کردند. انتخابات در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ برگزار شد و به رغم تصورات اولیه؛ ولی بر اساس آمار اعلام شده از سوی وزارت کشور، ۲۴ میلیون رأی به نام محمود احمدی‌نژاد ثبت شد. بر اساس این آمار وزارت کشور وقت، میرحسین موسوی بیش از ۱۳ میلیون رأی کسب کرد و در کمال تعجب میزان رأی مهدی کروبی که در انتخابات سال ۱۳۸۴ نزدیک به پنج میلیون رأی کسب کرده بود تنها کمی بیش از ۳۰۰ هزار رأی کمتر از آرای باطله اعلام شد. محسن رضایی نیز با میزان رأی نزدیک به ۷۰۰ هزار رأی در جایگاه سوم قرار گرفت. این دوره انتخاباتی یکی از پرتلاطم‌ترین حوادث انتخاباتی در کشور را در بطن خود داشت.

دوره یازدهم، سال ۱۳۹۲: در اردیبهشت ۱۳۹۲ ثبت نام نامزدها آغاز شد و ۶۸۶ نفر به عنوان داوطلب نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کردند؛ اما شورای نگهبان در نهایت در ۳۱ شهریور، اسامی هشت فرد تأیید صلاحیت شده را اعلام کرد: سعید جلیلی، غلامعلی حداد عادل، حسن روحانی، محسن رضایی، محمدرضا عارف، محمد غرضی، محمدباقر قالیباف و علی‌اکبر ولایتی. در طول مبارزات انتخاباتی و از بین هشت نامزد تأیید صلاحیت شده، غلامعلی حداد عادل در میانه راه انصراف داد و محمدرضا عارف نیز به نفع حسن روحانی کنار رفت. یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ برگزار شد. از بیش از ۵۰ میلیون فرد واجد شرایط رأی‌دهی، نزدیک به ۳۷ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند. حسن روحانی بیشترین رأی را در این میان آورد و بیش از ۱۸ میلیون رأی به حساب او ریخته شد. نفر دوم با فاصله، محمدباقر قالیباف بود که اندکی بیش از شش میلیون رأی به دست آورد.

رد صلاحیت چهره‌های سرشناس: در این دوره مجموعاً ۶۸۶ نفر نام‌نویسی کرده بودند که ۳۷ نفر ایشان چهره سرشناس بودند و ۹ تن پیش از اعلام صلاحیت‌ها کناره‌گیری کردند.<sup>۱</sup> از این مجموعه، ۶۷۸ نفر رد صلاحیت شدند.<sup>۲</sup>

رد صلاحیت اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس جمهور

۱. محمدحسن ابوترابی فرد، کامران باقری لنکرانی، رامین مهمانپرست، داوود احمدی‌نژاد، صادق واعظزاده، علی‌اکبر جوانفکر، محمدرضا رحیمی، صادق خلیلیان و جواد اطاعت قبل از اعلام گزارش نهایی بررسی صلاحیت‌ها انصراف دادند.

۲. افراد مشهور آن‌ها عبارت بودند از: ۱. روح‌الله احمدزاده کرمانی، دکترای مدیریت رسانه، معاون احمدی‌نژاد و رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (اردیبهشت-دی ۱۳۹۰)، استاندار فارس (۱۳۹۰-۱۳۸۸) (اصول‌گرای نزدیک به دولت)؛ ۲. ابراهیم اصغر زاده، دکترای علوم سیاسی، نماینده مجلس سوم و شورای شهر سوم تهران (اصلاح‌طلب)؛ ۳. اکبر اعلمی، کارشناس ارشد اقتصاد بین‌الملل، نماینده مجلس ششم و هفتم (اصلاح‌طلب)؛ ۴. مسعود پزشکیان، فوق تخصص جراحی قلب، وزیر بهداشت دولت اصلاحات (مایل به اصلاح‌طلبی)؛ ۵. سید محمدباقر خرازی، مجتهد، دبیر کل حزب‌الله ایران (مایل به اصولگرایی)؛ ۶. اسفندیار رحیم‌مشایی، مهندس الکترونیک، رئیس دفتر ریاست جمهوری (۱۳۹۰-۱۳۸۸)، رئیس سازمان میراث فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) (اصولگرای حامی دولت)؛ ۷. علیرضا زاکانی، دکترای پزشکی هسته‌ای، نماینده مجلس هفتم تا نهم (اصولگرا)؛ ۸. حسن سبحانی، دکترای علوم اقتصادی، نماینده دوره‌های پنجم و ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی؛ ۹. محمد سعیدی کیا، کارشناس ارشد راه و ساختمان، وزیر راه و ترابری در دولت موسوی و هاشمی رفسنجانی و وزیر جهاد سازندگی خاتمی و وزیر مسکن احمدی‌نژاد (مایل به اصولگرایی)؛ ۱۰. محمد شریعتمداری، دکترای مدیریت، وزیر بازرگانی کابینه اول و دوم خاتمی (مایل به اصلاح‌طلبی)؛ ۱۱. قاسم شعله سعیدی، دکترای حقوق، نماینده دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی (اصلاح‌طلب)؛ ۱۲. علی فلاحیان، مجتهد، وزیر اطلاعات دولت هاشمی، نماینده مجلس خبرگان رهبری (اصولگرا)؛ ۱۳. محمدحسن قدیری ابیانه، دکترای مدیریت استراتژیک، کارشناس عالی وزارت امور خارجه، سفیر سابق ایران در مکزیک (۱۳۸۹-۱۳۸۶) (مایل به اصولگرایی)؛ ۱۴. سید احمد کاشانی، کارشناس ارشد عمران، نماینده دوره‌های اول و دوم مجلس شورای اسلامی؛ ۱۵. پرویز کاظمی، کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، وزیر رفاه دولت احمدی‌نژاد (۱۳۸۵-۱۳۸۴) (مایل به اصولگرایی)؛ ۱۶. مصطفی کواکبیان، دکترای علوم سیاسی، دبیر کل حزب مردم‌سالاری، نماینده پیش‌تر مردم‌سمنان و مهدی‌شهر در مجلس هشتم (اصلاح‌طلب، مردم‌سالاری)؛ ۱۷. منوچهر متکی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، وزیر امور خارجه دولت نهم و دهم (ائتلاف بزرگ اصولگرایان) (ائتلاف بزرگ اصولگرایان)؛ ۱۸. طهماسب مظاهری، کارشناس ارشد عمران، رئیس پیش‌تر بانک مرکزی، وزیر اقتصاد دولت هشتم؛ ۱۹. سید ابوالحسن نواب، دارای تحصیلات عالی حوزوی، قائم‌مقام مجمع جهانی اهل‌بیت (اصولگرا، جامعه روحانیت)؛ ۲۰. صادق واعظ زاده، دکترای مهندسی برق، رئیس مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، رئیس بنیاد ملی نخبگان (۱۳۸۸-۱۳۸۵)، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام (مایل به اصولگرایی)؛ ۲۱. اکبر هاشمی رفسنجانی، مجتهد، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس جمهور پیشین ایران از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶. وی در آخرین دقایق ثبت‌نام حضور پیدا کرد (اصلاح‌طلب و کارگزاران).

اسبق و اسفندیار رحیم مشایی، رئیس دفتر سابق رئیس‌جمهور و نامزد مورد حمایت محمود احمدی‌نژاد، بحث‌انگیزترین رد صلاحیت‌های این دوره بود که واکنش‌هایی در پی داشت. برخی افراد به دنبال ورود رهبری و بازنگری در رأی شورای نگهبان همانند نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران بودند که در این دوره این اتفاق نیفتاد و ایشان به احترام رأی شورای نگهبان در این خصوص درخواستی به شورا ارسال نکرد.

مسئله جنجالی مهم، رد صلاحیت اکبر هاشمی رفسنجانی بود. توجیه شورای نگهبان برای رد صلاحیت، کهولت سن عنوان شد. در حالی که شرایط سنی، جزء شرایط لازم مندرج در قانون اساسی نبود و ضعف قوای جسمانی به علت کهولت سن نیز نمی‌توانست دلیلی بر رد صلاحیت باشد؛ چون مقامات عالی‌رتبه و کلیدی دیگر نظام هم در شرایط سنی کم‌وبیش مشابه ایشان بودند. رد صلاحیت او به‌عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و مرد همراه مقام رهبری در شرایط سخت انقلاب سؤالات و انتقادات فراوانی را به دنبال داشت.<sup>۱</sup>

شخصیت‌های متعددی به رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی اعتراض کردند که از جمله آن‌ها زهرا مصطفوی دختر امام بود. ایشان طی نامه‌ای مستقیم به مقام رهبری وساطت ایشان را درخواست کرد و طی آن اعلام داشت که امام در بحث تعیین رهبری و ولایت فقیه بعد از خودشان، نام هاشمی رفسنجانی را نیز پس از مقام رهبری ذکر کرده بودند.<sup>۲</sup>

دوره دوازدهم، سال ۱۳۹۶: نام‌نویسی نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران از ۲۲ تا ۲۶ فروردین ۱۳۹۶ برگزار شد که در کل ۱۶۳۶ نفر ثبت‌نام کردند؛ از این تعداد ۱۳۶ نفر زن و ۱۴۹۹ نفر مرد بودند (ایسنا، ۱۳۹۶). وزارت کشور در ۳۱ فروردین اسامی نهایی نامزدهای تأییدشده را به شرح زیر اعلام کرد:

- سید مصطفی آقا میر سلیم، وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی؛

۱. این ادعا مطرح شد که هاشمی رفسنجانی با اشاره به حضور نیروهای امنیتی در فرایند تعیین صلاحیت خود گفته بود: «وزیر اطلاعات برخلاف عرف و قانون، شخصاً در جلسه بررسی صلاحیت‌ها در شورای نگهبان حضور یافت که ابتدا مورد اعتراض برخی از اعضای شورای نگهبان نیز قرار گرفت و نهایتاً به اعضای شورای نگهبان گفت که حضور هاشمی در انتخابات می‌تواند موجب پیروزی قاطع او و با رأی بالای مردم شود که با راه و رسم آن‌ها سازگار نیست و لذا این شورا را متقاعد کرد که به بهانه شرایط جسمی رأی به عدم احراز صلاحیت بنده دهند» (ایسنا، ۱۳۹۵). بعدها گزارش صوتی تصویری از وزیر وقت اطلاعات دولت احمدی‌نژاد انتشار یافت که این ادعا را به شدت تقویت می‌کرد.

۲. «... همان روزی که تأیید امام بر رهبری حضرت‌عالی را از زبان ایشان شنیدم و همواره آن نظریه را در مواقع لازم بیان کرده‌ام تأیید صلاحیت برادر آقای هاشمی را هم شنیدم؛ زیرا امام بعد از نام جناب‌عالی نام ایشان را هم ذکر کردند...» (مصطفوی، ۱۳۹۲).

- حسن روحانی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده مجلس خبرگان رهبری، دبیر شورای عالی امنیت ملی دولت هاشمی رفسنجانی و خاتمی و نماینده مجلس دوم تا پنجم؛  
 - اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور، رئیس پیشین حزب کارگزاران سازندگی، وزیر پیشین معادن و فلزات، وزیر پیشین صنایع و معادن و نماینده مجلس دوم و سوم؛  
 - سید ابراهیم رئیسی، متولی آستان قدس رضوی، نماینده مجلس خبرگان رهبری، دادستان پیشین کل کشور، معاون اول پیشین قوه قضائیه و رئیس پیشین سازمان بازرسی کل کشور؛  
 - محمدباقر قالیباف، شهردار تهران، فرمانده پیشین نیروی انتظامی و نامزد انتخابات ریاست جمهوری در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲

- سید مصطفی هاشمی طبا، وزیر صنایع سنگین دولت باهنر، وزیر صنایع دولت اول میرحسین موسوی، رئیس سازمان تربیت بدنی دولت دوم هاشمی رفسنجانی و دولت اول خاتمی و نامزد تأیید شده در انتخابات ۱۳۸۰.

- رد صلاحیت احمدی نژاد: همان گونه که ثبت نام محمود احمدی نژاد، غیرمترقبه ترین و شگفت انگیزترین رویداد تا زمان ثبت نام داوطلبان نامزدی ریاست جمهوری بود، رد صلاحیت او نیز یکی از موارد مهم و خبرساز تصمیم شورای نگهبان در جریان تأیید صلاحیت داوطلبان نامزدی بوده است. مقام معظم رهبری، از ماه‌ها قبل کوشیده بودند با «توصیه‌های» شخصی و علنی به ایشان اعلام دارند که به عنوان نامزد وارد انتخابات نشود. قطبی شدن بیش از حد فضای انتخابات همان طور که مقام رهبری در این موضوع گفته بود مناسب شرایط کشور نبود. البته برخی از صاحب نظران اظهار می داشتند که با حضور احمدی نژاد مجموعه انتخابات سه قطبی می شد و این احتمال جدی می رفت که رأی جناح اصولگرا، رئیسی و قالیباف در برابر جناح اصلاح طلب و کارگزاران، یعنی روحانی و جهانگیری شکسته شود. در میان ۴۴ چهره سرشناسی که صلاحیت آن‌ها احراز نشد، ۲۴ نفر دارای سابقه مناصب کشوری در قوای سه گانه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری بودند و سایرین از افراد سرشناس در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هنری محسوب می شدند.<sup>۱</sup>

۱. محمود احمدی نژاد مهم ترین فرد احراز صلاحیت نشده این دوره بود. همچنین حمید بقایی معاون اجرایی او در دولت دهم نیز تأیید نشد. علیرضا زاکانی نماینده مجلس شورای اسلامی دوره هفتم تا نهم و حمیدرضا حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش دولت دهم دو تن از پنج نامزد نهایی جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا) بودند که صلاحیتشان احراز نشد. از دیگر چهره‌های سرشناس دولت احمدی نژاد، مسعود زریبافان معاون وی و رئیس بنیاد شهید، صادق خلیلیان وزیر کشاورزی، محمد مهدی زاهدی وزیر آموزش و پرورش، سید احمد موسوی معاون حقوقی و مجلس به تأیید شورای نگهبان نرسیدند. در میان افراد احراز صلاحیت نشده نام سید محمد غرضی وزیر

### ۰۳. ارزیابی عوامل مؤثر بر رویه‌های شورای نگهبان

#### الف) قاعده نظارت استصوابی

در جریان انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، غلامرضا رضوانی، رئیس وقت هیأت مرکزی انتخابات شورای نگهبان از این شورا تقاضای تفسیر مدلول اصل ۹۹ قانون اساسی و واژه نظارت را می‌نماید. دبیر وقت شورای نگهبان در پاسخ به صورت رسمی طی نامه شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳۷۳/۰۳/۰۱ اعلام داشت: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود» (اطاعت، ۱۳۸۳، ص. ۳۳).

نظارت استصوابی، یعنی علاوه بر کسب اطلاع و آگاهی، صلاحیت، مصوبات یا عملکرد اشخاص، باید به تأیید و تصویب ناظر برسد. در نظارت استصوابی، ناظر بر اساس قانون یا قرارداد معین، با حق تصمیم‌گیری نهایی بر مجری (نماینده، مباشر و متولی) نظارت می‌کند. در

پیشین نفت و پست، تلگراف و تلفن و همچنین نامزد انتخابات ریاست جمهوری دور پیش، سید هاشم بطحایی گلپایگانی عضو مجلس خبرگان رهبری و محمد هاشمی رفسنجانی عضو پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس پیشین سازمان صداوسیما نیز به چشم می‌خورد. همچنین از دیگر نمایندگان پیشین مجلس شورای اسلامی محمدعلی پورمختار نماینده مجلس نهم و دهم، موسی‌الرضا ثروتی نماینده مجلس هفتم تا نهم، عوض حیدرپور نماینده مجلس هفتم تا نهم، محسن رهامی نماینده مجلس اول و دوم، حسن سبحانی نماینده مجلس پنجم تا هفتم، قاسم شعله‌سعدی نماینده مجلس سوم، چهارم و ششم، اعظم طالقانی نماینده مجلس اول، سید احمد کاشانی نماینده مجلس اول و دوم، مصطفی کواکبیان نماینده مجلس هشتم و دهم، عبدالحسین مقتدایی نماینده مجلس سوم و چهارم، علیرضا منادی نماینده مجلس هشتم و نهم، حسن نوروزی نماینده مجلس هشتم و دهم، علی یوسف‌پور نماینده مجلس دوم تا چهارم احراز صلاحیت نشدند. سایر افراد سرشناس: از میان چهره‌های سرشناس دولتی دیگر که احراز صلاحیت نشدند می‌توان به محمود عباس‌زاده، مدیر کل سیاسی پیشین وزارت کشور، مهدی کلهر مشاور رسانه‌ای پیشین احمدی‌نژاد، علیرضا رجایی مشاور نهاد ریاست جمهوری و سیدعلی گرامیان مشاور فرهنگی وزیر صنعت اشاره کرد. در میان چهره‌های حزبی مطرح، صلاحیت افرادی همانند علیرضا متانی دبیر کل حزب دفاع از ایثارگران و قانون اساسی، خسرو نصیرزاده دبیر کل مجمع متخصصین ایران، امرالله شیخانی دبیر کل حزب مردم، سعید یاری دبیر کل سازمان دفاع از منافع ملی و حسن بیادی دبیر کل جمعیت آبادگران جوان احراز نشد. هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه رانگروز نیوجرسی، مهدی خزعلی و محسن غرویان از چهره‌های سرشناس فرهنگی بودند که صلاحیت آن‌ها تأیید نشد. در میان اهالی هنر جواد گلپایگانی، امین‌الله رشیدی، مریم ابراهیم‌وند کارگردان و تهیه‌کننده سینما و سیروس میمنت بازیگر و نویسنده احراز صلاحیت نشدند. همچنین صلاحیت چهره‌های سرشناس دیگر همچون عباس پالیزدار عضو هیأت تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه قضائیه، حمیدرضا احمدآبادی فعال بسیجی مشهور، بهمن لامعی معاونت سابق بیمه مرکزی ایران و محمد غفاری فرمانده سابق نیروی انتظامی سیستان و بلوچستان احراز نشد.

این نظارت، مرجع مافوقی وجود ندارد و همین ناظر، مرجع نهایی است؛ بنابراین مجری دارای قدرت تصمیم‌گیری مستقل از ناظر نیست و اختیار تام ندارد، یعنی اقدامات او نیازمند تصویب و موافقت ناظر است و در صورت دستور و صدور حکم ناظر، اطاعت از او لازم است؛ از این رو تأیید و تصویب ناظر، شرط صحت و اعتبار حقوقی صلاحیت، تصمیم و عملکرد مجری و متولی است و بدون تصویب ناظر، فاقد مشروعیت، اعتبار قانونی و ضمانت اجراست.

شورای نگهبان با پیش‌بینی قاعده نظارت استصوابی در انتخابات ریاست جمهوری و موضوع بررسی صلاحیت نامزدها، نظر و دیدگاه اعضای خود را در ارزیابی وضعیت نامزدها از نظر برخورداری یا عدم برخورداری از شرایط به‌ویژه شرایط کیفی اعمال می‌کند و لذا امکان تکیه بر نظر شخصی، سلیق سیاسی و عقیدتی اعضا محتمل می‌شود.

با توجه به اهمیت موضوع ضروری است ابتدا در زمینه مفهوم تفسیر در سازوکار وظایف شورای نگهبان توضیحاتی داده شود. مطابق قانون اساسی یکی از وظایف شورای نگهبان تفسیر قانون اساسی است. تفسیر در لغت به معنای «برده‌برداری و کشف مُراد از لفظ مشکل»، «اظهار معنای معقول از یک کلام یا کلمه» و ... آمده است؛ بنابراین تفسیر، پرده برداشتن از غوامض و مشکلات یک لفظ یا یک جمله و برگرفتن نقاب از چهره آن است. به تعبیر دیگر «تعیین معنی درست و گستره قاعده حقوقی را تفسیر آن قاعده می‌گویند». در بیان دیگری از معنای حقوقی تفسیر می‌توان گفت: «تفسیر عبارت است از پرده برداشتن از مقصود قانون‌گذار». برای این کار، مفسر از اصول منطقی، مقررات و قواعد ادبی، سوابق تاریخی و نیز مذاکرات قانون‌گذار استفاده می‌کند. شورای نگهبان نیز در یکی از نظریات خود تفسیر را تعریف کرده است: «مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است؛ بنابراین تضييق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود» (پایگاه خبری شورای نگهبان، ۱۳۹۹).

شورای نگهبان در ماده ۱۸ آیین‌نامه خود، با محدود کردن دایره افراد واجد صلاحیت برای استفسار مقرر دارد: «تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضاییه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد» (پایگاه خبری شورای نگهبان، ۱۳۹۹). همان‌طور که ملاحظه می‌شود بر اساس آیین‌نامه مذکور عملاً هر یک از اعضای ۱۲ نفری شورای نگهبان واجد صلاحیت برای اقدام به استفسار شده است در حالی که جمع معتابیهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مستقلاً (با فرض عدم همراهی رئیس مجلس و اقدام وی) صلاحیت درخواست ندارند و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در گروه واجدان صلاحیت استفسار قرار ندارد. هم وزن شدن

یک عضو شورای نگهبان با سایر مقامات واجد صلاحیت استفسار، اعطای اختیارات غیر متعارف به شورای نگهبان است. البته آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، تشخیص ضرورت تفسیر را نیز بر عهده شورای نگهبان گذاشته است که بر اساس ماده ۲۲ «تشخیص اینکه مورد سؤال از مصادیق تفسیر است یا اکثریت شورای نگهبان است».

تفسیری که شورای نگهبان از یک اصل ارائه می‌دهد، از حیث اعتبار در حکم خود قانون اساسی بوده و لازم‌الاجرا تلقی می‌شود؛ بنابراین ضروری است که نظرات تفسیری به اطلاع عموم برسد. در این خصوص ماده ۲۰ آیین‌نامه داخلی شورا مقرر می‌دارد: «نظرات تفسیری شورای نگهبان به مرجع درخواست‌کننده تفسیر و رئیس‌جمهور اعلام می‌گردد و برای روزنامه رسمی و رسانه‌های همگانی فرستاده می‌شود». شایان‌ذکر است که پیش‌بینی وضعیت هم وزن بودن تفاسیر شورای نگهبان با متن و اصول قانون اساسی مخالف قانون اساسی است؛ چون قانون اساسی باید به وسیله مرجع خاص و مؤسس وضع شود و سپس در یک همه‌پرسی به تأیید ملت برسد. شورای نگهبان بخشی از قوه مقننه است و اعضای آن به عنوان مجلس مؤسسان یا خبرگان قانون اساسی منصوب و یا انتخاب نشده‌اند؛ لذا اعلان تفاسیر این شورا به عنوان مفاد و حکم قانون اساسی مجاز نیست. این تفاسیر حداکثر می‌تواند همانند قوانین ارگانیک در فرانسه در جایگاه میانی بین قانون عادی و قانون اساسی قرار گیرد و نسخ آن‌ها باید به وسیله خود شورا صورت پذیرد و نه مرجع وضع قوانین عادی.

شورای نگهبان در نظریه مورخ ۱۳۶۴/۰۳/۲۵ در مورد لایحه انتخابات ریاست جمهوری بر حصری بودن شرایط انتخاب‌پذیری به ریاست جمهوری تأکید می‌کند: «...علاوه کردن شرایط یا در نظر گرفتن موانع در کنار شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی با اصل مذکور مغایرت دارد» (تقی زاده، ۱۳۸۷، ص. ۴۴). با توجه به عبارت بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر «صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید» هیچ‌یک از نهادهای وضع قانون به غیر از قوه مؤسس، یعنی مجلس خبرگان قانون اساسی یا شورای بازنگری نمی‌توانند شرایطی بیشتر از مفاد مندرج در اصل ۱۱۵ را برای نامزدهای ریاست جمهوری به تصویب برسانند (تقی زاده، ۱۳۸۷، ص. ۴۳).

در متن قانون انتخابات ریاست جمهوری، مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ ماده ۸: «نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است». در این متن و در اصل ۹۹ قانون اساسی، واژه استصوابی به عنوان پسوند نظارت نیامده است؛ لذا اقدام به تفسیر منتهی به نظارت استصوابی، نوعی توسیع

اختیارات شورای نگهبان است که در متن قانون اساسی پیش‌بینی نشده است ضمن اینکه خود شورای نگهبان صلاحیت توسیع اختیارات را آن‌هم بر اساس یک استفساریه ندارد؛ زیرا که دایره تفسیر در محدوده روشن نمودن معنای یک «واژه» می‌گنجد نه توسیع اختیارات. از سوی دیگر، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که چون در اصل نود و نهم، واژه‌های «انتخابات» و «همه‌پرسی» توأمان ذکر شده است و در همه‌پرسی، بررسی صلاحیت وجود ندارد؛ پس اصل نود و نهم تنها نهاد و مرجع ناظر بر انتخابات و همه‌پرسی را تعیین کرده است و درصدد تعیین نوع نظارت نیست.

در اصل ۹۹، ما سه نوع انتخابات را داریم و همچنین همه‌پرسی که انتخابات نیست و چون انتخابات نیست، تعیین نحوه نظارت به شکل سه انتخابات مندرج در آن اصل در مورد آن قابل اعمال نیست. درحالی که تفسیر اصل ۹۹، مطلق است و انتخابات و همه‌پرسی را تحت یک حکم قرار داده است. موارد چهارگانه مندرج در اصل ۹۹ از حیث مطلق نظارت تحت حکم واحدی قرار دارند، لیکن از حیث نحوه نظارت باید احکام متفاوتی بر آن‌ها بار نمود؛ زیرا در همه‌پرسی گزینشی صورت نمی‌پذیرد و مسئله صلاحیت‌ها در آن راه ندارد... این نشان می‌دهد که اصل ۹۹، صرفاً نهاد ناظر را معرفی می‌کند نه نوع نظارت را. به همین دلیل، همه‌پرسی در ردیف انتخابات آورده شده است (شریف، ۱۳۷۸، ص. ۲۱). البته دلایل متعدد متقن دیگری در خصوص ماهیت نظارت شورای نگهبان به صورت استطلاعی یا انضباطی و نه استصوابی قابل طرح است که به واسطه اختصار و دور نشدن از بحث محوری به آن‌ها پرداخته نمی‌شود.

#### **ب) عدم استقلال نام مرجع نظارت از کل مجموعه قوه اجرایی کشور**

۲۹۹

اصل استقلال تام مرجع نظارت از بدنه اجرایی و قوه مجریه در کشور از جمله اصول اساسی تضمین سلامت انتخابات و اعمال بی طرفانه وظیفه نظارت از سوی مراجع نظارت است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعریفی از قوه مجریه ارائه نشده است؛ ولی موضوع مراجع قوه اجرائیه در کشور در اصول ۵۷، ۶۰، ۱۱۰ و ۱۱۳ قانون اساسی اعلام و تشریح شده است. بر اساس اصل ۶۰ «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزراست». در این اصل به صراحت ذکر شده است که اعمال قوه مجریه از طریق رهبر، رئیس‌جمهور و وزیران تحقق می‌یابد. از این نظر، قوه مجریه جمهوری اسلامی ایران با وجود مقام رهبری و برخی شئون اجرایی و ریاست کشوری آن، از نوع دو رکنی است (آجرلو، ۱۳۹۴، ص. ۱۲).

اکثر بندهای اصل ۱۱۰ نیز مصادیق صلاحیت‌ها و اختیارات مقام رهبری را به‌عنوان ریاست

..... مجید بزرگمهری و نوید رسولی: رویه شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات ...

کشور مورد اشاره قرار می‌دهد. همچون تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها، فرمان همه‌پرسی، اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها، نصب و عزل و قبول استعفای مقامات عالی نظامی و سیاسی، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، حل معضلات نظام و... (آجرلو، ۱۳۹۴، ص. ۱۴) مطابق با قانون اساسی، پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس دولت عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

در سازوکار انتخابات در ایران یک بحث جدلی اساسی مطرح می‌شود. مرجع نظارت بر انتخابات، یعنی شورای نگهبان دارای انفکاک و استقلال تام از بدنه قوه اجرائیه نیست. مقام رهبری در انتصاب اعضای مرجع نظارت نقش اصلی و کلیدی را دارد و چنین وضعیتی تا حدودی اصل استقلال مرجع نظارت از قوه مجریه را تحت شعاع قرار می‌دهد. از جمله اشکالاتی که منتقدان به رویکرد نظارت استصوابی (صلاح‌دید اعضا) شورای نگهبان ابراز می‌دارند همین عدم استقلال مرجع نظارت از ستون اصلی قوه مجریه است. آیا این احتمال وجود ندارد که شورای نگهبان در موضوع تأیید یا رد صلاحیت نامزدها، منویات مقام رهبری یا اعضا با نفوذ بیت رهبری را مبنی قضاوت‌های خود قرار دهد؟

### ج) سازوکار ضعیف پاسخگویی و شفافیت در قبال اعتراض نامزدها

مقام رهبری در قسمت‌های نخست و دوم بند ۱۱ سند سیاست‌های کلی انتخابات صادر شده در ۱۳۹۵، دو موضوع شفافیت و پاسخگویی در فرایند انتخابات را مورد تأکید قرار داده‌اند: «۱ - ۱۱ - تعیین سازوکارهای شفاف، زمان‌بندی شده و اطمینان‌بخش و فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آن‌ها در تمام مراحل؛ ۲ - ۱۱ - پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

مدل پاسخگویی نهاد ناظر انتخابات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از نوع نظارت و بازنگری درونی است؛ چراکه بر اساس قوانین انتخاباتی حاکم، نظارت شورای نگهبان از طریق یک نظم سلسله‌مراتبی اعمال می‌شود و هر یک از مرتبه‌های نظارتی مادون نسبت به مرتبه نظارتی مافوق خود پاسخگو است. همچنین بر اساس ماده ۱۴ «قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی»، تصمیمات شورای نگهبان نهایی است و حتی ابطال انتخابات توسط این شورا نیز قطعی و غیرقابل نظارت قضایی است؛ بنابراین شورای نگهبان در موضوع نظارت بر انتخابات مشمول هیچ نوع نظارت قضایی نیست و تصمیمات آن‌هم قابل اعتراض در

هیچ مرجع سیاسی، قضایی یا اداری نخواهد بود. از این حیث این شورا مسئولیتی به پاسخگویی در قبال هیچ‌یک از نهادهای دولتی ندارد؛ باین حال قطعیت تصمیمات این شورا ممکن است از مجرای بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و یا صدور حکم حکومتی رئیس کشور (رهبر) دچار نسیت شود، به طوری که تجربه سیاسی گذشته در مورد احراز صلاحیت کاندیداهای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری یا تعیین حکم در خصوص اعلام نتایج انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی مؤید این معناست (فلاح زاده، ۱۳۹۲).

شایان ذکر است که شورای نگهبان تا سال ۱۳۷۸، اساساً رسیدگی مجدد به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده را به رسمیت نمی‌شناخت. شورا در نظریه مورخ ۱۳۶۴/۰۳/۲۵ اعلام کرد: «از بند ۴ اصل ۱۱۰ قانون اساسی استظهار می‌شود که نظر شورای نگهبان در مورد صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری غیرقابل اعتراض است» (سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، ۱۳۶۴)؛ اما بر اساس قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف مصوب ۱۳۷۸/۰۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان موظف گردید به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده رسیدگی کند و نتیجه را به داوطلب و مجریان انتخابات اعلام نماید؛ لذا همان‌طور که مشخص است شورای نگهبان بر اساس نظر نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام (به علت اختلاف مجلس و شورای نگهبان در مفاد ماده واحده)، موظف شده است به شکایات رسیدگی دقیق نماید، هر چند که مرجع استیناف در اینجا باز همان مرجع صدور حکم اولی است. از منظر تقی زاده، این رویکرد با منطق دموکراتیک سازگار نیست (تقی‌زاده و رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۵۳).

در صورت اعتراض اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌نفع به تصمیمات شورای نگهبان، اقدامی برای پیش‌بینی نهاد فوقانی و خارج از شورای نگهبان به‌عنوان مرجع استیناف، رسیدگی مستقل و صدور حکم نهایی، صورت نگرفته است. در همه مراجع قضایی و حقوقی دنیا، مرجع رسیدگی به دادخواست استیناف و فرجام‌خواهی، نهادی بالاتر و متخصص‌تر از مرجع صدور حکم اولی است.

### نتیجه‌گیری و تحلیل داده‌ها

با نگاهی اجمالی به اقدامات نظارتی شورای نگهبان در موضوع بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری در ادوار انتخاباتی گذشته نکات مهمی قابل استنباط است.

جدول تعداد ثبت نام نامزدها برای انتخابات ریاست جمهوری ادوار ۱۲ گانه و تأیید و رد صلاحیت (با احتساب دوره اول و دوره دوم به بعد)

تعداد رد صلاحیت	تعداد تأیید صلاحیت	تعداد ثبت نام کنندگان به عنوان نامزد	دوره برگزاری انتخابات ریاست جمهوری
۲۴	۹۵	۱۲۴	اول ۱۳۵۸ (عدم فعالیت شورای نگهبان)
۶۷	۴	۷۱	دوم ۱۳۶۰
۴۲	۴	۴۶	سوم ۱۳۶۰
۴۷	۳	۵۰	چهارم ۱۳۶۴
۷۷	۲	۷۹	پنجم ۱۳۶۸
۱۲۴	۴	۱۲۸	ششم ۱۳۷۲
۲۳۴	۴	۲۳۸	هفتم ۱۳۷۶
۸۰۴	۱۰	۸۱۴	هشتم ۱۳۸۰
۱۰۰۶	۸	۱۰۱۴	نهم ۱۳۸۴
۴۷۱	۴	۴۷۵	دهم ۱۳۸۸
۶۸۰	۶	۶۸۶	یازدهم ۱۳۹۲
۱۶۳۰	۶	۱۶۳۶	دوازدهم ۱۳۹۶
۵۲۱۱	۱۵۰	۵۳۶۱	جمع کل
۵۱۸۲	۵۵	۵۲۳۷	جمع کل تصمیمات شورای نگهبان (از دوره دوم به بعد)

(منبع: مؤلف)

عدم تأیید اکثریت نامزدها: همان طور که جدول گویای آن است در ادوار دوازده گانه انتخابات ریاست جمهوری از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۶ مجموعاً ۵۳۶۱ نفر برای نامزدی ریاست جمهوری ثبت نام کرده اند و ۱۵۰ نفر آن ها تأیید صلاحیت و ۵۲۱۱ نفر رد صلاحیت شده اند. از دوره دوم که شورای نگهبان اقدام به بررسی صلاحیت ثبت نام کنندگان کرده است جمعاً ۵۲۳۷ نفر متقاضی نامزدی ریاست جمهوری بوده اند که مجموعاً ۵۵ نفر تأیید صلاحیت و ۵۱۸۲ نفر رد صلاحیت شده اند؛ بدین ترتیب از کل تعداد ثبت نام کنندگان فقط یک و شش صدم درصد متقاضیان تأیید صلاحیت شده اند و نود و هشت و نه صدم درصد رد صلاحیتی ها بوده اند.

قدر مسلم با توجه به اینکه مطابق قوانین، هر شهروند ایرانی که احساس تکلیف و برخورداری از شرایط را از منظر خویش، داشته باشد حق ثبت نام برای نامزدی ریاست جمهوری را دارد؛ لذا این احتمال قوی می‌رود که تعداد زیادی از ثبت نام کنندگان توجه کافی به شرایط لازم برای تصدی این سمت را مطابق قوانین نداشته باشند؛ ولی اقدام به ثبت نام کنند. در نتیجه در برخی از ادوار، رقم ثبت نام کنندگان به یک هزار و شش صد نفر هم رسیده است؛ لیکن چنین وضعیتی ابداً به این معنی نیست که فقط تعداد بسیار اندکی (یک درصد از کل) واجد صلاحیت هستند. در میان نامزدهای ثبت نام کننده، جمع قابل توجهی از اساتید و صاحب نظران سیاست، مدیران برجسته و موفق کشوری و مبارزان با رژیم پهلوی و دارای سمت‌های سیاسی در ادوار و تحولات انقلاب بوده‌اند. این حجم وسیع از رد صلاحیت حاکی از نگاه بسیار تحدیدی شورای نگهبان برای صیانت از جایگاه مسند ریاست جمهوری در ایران است.

اعمال رویکردهای خاص و سلیقه‌ای بر حسب دوره انتخاباتی: از سوی دیگر ظاهر آقید «رجال سیاسی» برای شورای نگهبان معنایی خاصی دارد که هر کسی که در سابقه خود واجد سمت و جایگاه بالای اداری و سیاسی در بدنه کشور نباشد جزء رجال تلقی نمی‌شود؛ به عبارت دیگر اعضای شورای نگهبان با فرض نظارت استصوابی خود، در هر دوره به نحوی خود را قیم عموم شهروندان فرض می‌کنند که با معرفی دو یا سه و یا حداکثر ۱۰ نفر (فقط در یک دوره) به عنوان واجدان شرایط، امکان مشارکت مردم برای انتخاب رئیس جمهور را فقط از میان معرفی شدگان محدود مهیا می‌سازند؛ به عبارتی شورای نگهبان این فرض را دنبال می‌کند که با افزایش واجدان شرایط و نامزدها، عملاً مردم دچار تکثر آرا می‌شوند و رئیس جمهور با آرای بالای انتخاب نمی‌شود؛ پس از همان ابتدا بهتر است تعداد نامزدهای تأیید شده، اندک باشند. در این رابطه باید توجه داشت که تکثر آرای ابداً به ضرر یک نظام سیاسی نیست، بلکه اتفاقاً وزنه هر جناح و حزب سیاسی را مشخص می‌کند. شاید یک نامزد فقط ۵ یا ۱۰ درصد آرا را کسب کند؛ ولی همین رقم، نشانگر وزنه سیاسی تفکر و مواضع نامزد مزبور در فضای سیاسی کشور است. از سوی دیگر مدت پیش‌بینی شده ۵ روزه برای بررسی صلاحیت نامزدها و انجام رأی‌گیری در خصوص تک‌تک ثبت نام کنندگان حتی با فرض تمدید ۵ روز دیگر، ابداً کافی نیست مگر اینکه مرجع دیگری به نیابت از شورای نگهبان فهرست محدودی را برای تصمیم‌گیری در شورا آماده نماید که تحت این شرایط، احتمال حذف اسامی بسیاری از واجدان شرایط در آن کمیته یا مرجع نیابتی وجود دارد.

عدم رعایت رویه واحد: نکته کلیدی دیگر عدم رعایت رویه واحد در تأیید یا رد صلاحیت‌هاست. در پاره‌ای از ادوار فقط صلاحیت دو یا سه نفر که بسیار مشهور و مؤثر در

سیاست کشوری هستند تأیید شده است؛ ولی در برخی از ادوار، به نحو بسیار غیرمنتظره‌ای، اشخاصی که چهره‌های برتر از نظر ویژگی‌های «رجال»، «سیاسی» و «مدبر و مدیر» نیستند تأیید شده‌اند. در همین دوره‌ها جمعی از اشخاص بوده‌اند که با افراد تأیید شده، از نظر سابقه فعالیت کشوری برابری و حتی در رتبه بسیار بالاتری قرار داشته‌اند؛ ولی صلاحیتشان تأیید نشده است. در جمع نامزدها، مقاماتی که دارای سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی در چند دوره، وزارت در کابینه‌های متعدد، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبارزه با رژیم پهلوی بوده‌اند، کم نیستند؛ ولی صلاحیتشان تأیید نمی‌شود در حالی که صلاحیت تعدادی که رتبه بسیار پایین‌تری در ارتباط عناوین و سمت‌های دولتی یا سیاسی دارند تأیید می‌شود. بدون اینکه قصد کوچک‌نمایی نامزدهایی مانند محمود احمدی‌نژاد و سعید جلیلی را داشته باشیم، باید یادآور شویم ایشان در نخستین باری که برای نامزدی ریاست جمهوری ثبت‌نام کردند، دارای سابقه یا جایگاه سیاسی برجسته در مقایسه با سایر نامزدها به‌عنوان اشخاص سرشناس نبودند. آیا مرجع خاصی به شورای نگهبان توصیه برخی از اشخاص را می‌کند یا این شورا ابداً تحت نفوذ و تأثیر هیچ مرجع خارج از خود نیست؟ چرا در انتخابات ۱۳۸۰، دوره دوم خاتمی، جمعاً ۱۰ نامزد تأیید صلاحیت شدند؟ و چرا در برخی از دوره‌ها فقط ۲ نامزد اجازه ورود به رقابت انتخاباتی را یافتند و چرا یک‌بار حکم حکومتی برای وارد شدن دو نامزد به‌صفت نامزدها صادر شد در حالی که شورای نگهبان بررسی نهایی خود را انجام داده بود؟ آیا دلیل و توجیهی مانند شکسته شدن رأی یک نامزد مشهور با ترفند اضافه کردن نامزدها، در برخی از ادوار وجود داشته است؟

سخن مهم دیگر، موضوع رد صلاحیت افرادی است که در گذشته در دو دوره بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زده‌اند. شورای نگهبان صلاحیت هاشمی رفسنجانی، مرد تاریخ انقلاب و احمدی‌نژاد را به‌صورت رسمی و صلاحیت خاتمی را به‌صورت تلویحی رد کرده است. چگونه است که رؤسای جمهور دو دوره مستمر، اندکی پس از طی دو دوره، فاقد صلاحیت برای سمت مذکور در آینده می‌شوند؟ این رویه‌ها، شائبه میل به مهندسی کردن انتخابات، تحت شعاع و شرایط جناح‌بندی‌های سیاسی در هر دوره را دامن می‌زند.

### ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسندگان به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

## منابع

- آجرلو، اسماعیل (۱۳۹۴). شرح مبسوط قانون اساسی شرح اصل شصتم قانون اساسی. زیر نظر عباسعلی کدخدایی، پژوهشکده شورای نگهبان.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱). نظارت در نظام اسلامی. تهران. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- اطاعت، جواد (۱۳۸۳). انتخابات و نظارت شورای نگهبان. نشریه حقوق اساسی، ۲(۲)، ۴۸-۲۸.  
<https://ensani.ir/fa/article/4794>
- بای، عبدالرضا، طاهری، محسن و آب‌سالان، عباس (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرایند نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران و سایر کشورها. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۷(۲۷)، ۱۹۳-۱۶۳.  
<https://sanad.iau.ir/Journal/jourm/Issue/43032>
- پایگاه خبری شورای نگهبان (۱۳۹۹). نگاهی به وظایف و اختیارات شورای نگهبان. کد خبر ۶۹۶۷.  
<https://www.shora-gc.ir/fa/news/6967>
- پایگاه مشرق (۱۳۹۵). مروری بر ۱۰ دوره انتخابات ریاست جمهوری.  
<https://entekhabat.hawzah.net/fa/President/View/4563>
- تاریخ ایرانی (۱۳۷۶). مرور روزنامه‌ها در آستانه دوم خرداد ۷۶/ از توزیع روزنامه توقیف شده تا کارناوال عصر عاشورا. بایگانی شده از اصلی در ۲۳ اسفند ۱۳۹۴ تاریخ مشاهده در ۲۱ مهر ۱۳۹۸.  
<http://tarikhirani.ir/fa/news/4337>
- تقی‌زاده، جواد و رضایی، سعید (۱۳۹۰). بررسی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری با نگاهی به حقوق فرانسه. نشریه حقوق اساسی، ۸(۱۶)، ۶۶-۴۳.  
[https://www.asasimag.ir/article\\_104421.html](https://www.asasimag.ir/article_104421.html)
- خاتمی، محمد (۱۳۸۲). بررسی تحلیلی ایرادات شورای نگهبان به لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی. فصلنامه حقوق اساسی، ۱(۱)، ۳۷۷-۳۲۷.  
<https://ensani.ir/fa/article/327-377>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۶/۲۶/۱). ۱۶۳۶ نفر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شدند. کد خبر ۹۶۰۱۲۶۱۱۰۷۲.  
<https://www.isna.ir/news/96012611072>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۶/۵/۱۹). چراغ سبز برای بازگشت رد صلاحیت شده‌ها؟ کد خبر ۹۵۰۵۰۱۱۲۰۸۷.  
<https://www.isna.ir/news/95050112087>
- خسروی، حسن (۱۳۸۷). حقوق و انتخابات دمکراتیک. تهران: انتشارات مجد.

- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۵). سند ابلاغ سیاست‌های کلی «انتخابات». <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34642>
- روزنامه ابرار (۱۳۷۶/۰۲/۳۱). نظر آیت‌الله مهدوی کنی در خصوص رأی رهبری «حدس می‌زنیم نظر مقام معظم رهبری به آقای ناطق نوری است».
- سامانه جامع نظرات شورای نگهبان (۱۳۶۴) شماره ۳۶۸۱، پژوهشکده شورای نگهبان. <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/firmMatn.aspx>
- شریف، محمد (۱۳۷۸). نگرشی حقوقی به مقوله نظارت استصوابی. در: نظارت استصوابی، تهران: نشر افکار.
- طحان‌نظیف، هادی و کمال، کدخدامرادی (۱۳۹۸) آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فرایندهای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹(۴)، ۱۱۴۸-۱۱۲۷.
- <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.256322.1722>
- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۷). نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان. تهران: نشر نی، چاپ اول.
- فلاح‌زاده، علی محمد (۱۳۹۲). ابعاد استقلال نهاد ناظر بر انتخابات با تأکید موردی بر شورای نگهبان. کد خبر ۲۵۵۷۴۰۰. <https://www.shora-gc.ir>
- مرتضایی، سید احمد (۱۳۸۷). پیشینه و ادله نظارت استصوابی شورای نگهبان. معرفت، ۱۷(۱۱) پیاپی ۱۳۴، ۸۸-۶۵. <https://marifat.nashriyat.ir/node/623>
- مرتضایی، سید احمد (۱۳۹۰). بررسی قلمروی نظارت شورای نگهبان. معرفت، ۲۰(۶)، پیاپی ۱۱۷، ۱۳۶-۱۶۵. <https://marifat.nashriyat.ir/node/2387> ۳۰۶
- مصطفوی، زهرا (۱۳۹۲/۳/۱). خواهشمند است دخالت فرمایید و نشان دهید ولایت فقیه می‌خواهد جلوی دیکتاتوری را بگیرد، کد خبر ۲۶۶۲۱. <https://www.jamran.news>
- موسوی بجنوردی، سید محمد و دانش‌پور، افتخار (۱۳۹۰). بررسی فقهی - حقوقی جایگاه شورای نگهبان در نظام جمهوری اسلامی ایران و نحوه نظارت آن بر قوانین و مقررات. پژوهشنامه متین، ۱۳(۵۳)، ۵۳-۵۲. [doi: 20.1001.1.24236462.1390.13.53.3.1](https://doi.org/10.24236462.1390.13.53.3.1)
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲). نظارت شورای نگهبان انضباطی است، نه استصوابی و نه استطلاعی. مدرس علوم انسانی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۷(۴)، ۱۹۰-۱۷۹.
- <https://ensani.ir/fa/article/233770>